



اخلاق عقلی مسلمین

اخلاق و رویکرد کلامی

همزمان با اوج گیری مباحث کلامی در میان مسلمین، علم اخلاق نیز از حوزه این مباحث برکنار نماند و با رویکردهای تازه‌ای با آن برخورد شد؛ چنانکه در تاریخ این علم مشاهده می‌شود، با رویکرد عقلی - فلسفی نیز به آن پرداخته شده است. در این رویکرد، اخلاق پژوه در روش استدلال و استناد و نیز ادبیاتی که به کار میبرد بر منبع عقلی تکیه دارد و از سایر منابع به ندرت سود میجوید. این رویکرد که ادوار مختلفی را طی کرده است، پس از پشت سر گذاردن شش دوره، اکنون در هفتمین دوره خود به سر می‌برد. گفتمان کلامی، آغازین گام‌های این ادوار بود که با موضعگیری‌های فرق کلامی در مورد مسائل و مبانی اخلاق شکل گرفت. این جریان که از آن به مدرسه اخلاق نگاری کلامی تعبیر می‌شود در دوره نخست رونق یافت، گرچه در دوره‌های دوم و سوم نیز امتداد داشت؛ اما در سده سوم هجری جای خود را به نگرش فلسفی داد. در این درس، روند مباحث اخلاقی را در نزد فرقه‌های مختلف در دوره نخست از ادوار هفتگانه بررسی کرده، نمایندگان مکاتب آن دوره را خواهیم شناخت.

دوره اول: استیلای گفتمان کلامی

در اواخر سده نخست هجری، به تدریج پرسشها و دغدغه های حاصل از تدبر در متون دینی و مسائل عینی سیاسی - اجتماعی مسلمین و متعاقب آن، پاسخهای متفاوت به این پرسش ها، زمینه ظهور فرق کلامی را آماده ساخت و فرقه های خوارج، مرجئه، مجبره، قدریه، اهل حدیث و معتزله را پدید آورد. اگر جریان فکری تشیع را نیز - که ریشه در سنت و عصر خود رسول اکرم(ص) داشت - بدان فرقه ها بیافزاییم، دورنمایی از آرایش جبهه های فکری در اوایل سده دوم هجری به دست می آید.

در میان بحث های جاری در این عصر، پاره ای از موضوعات صبغه اخلاقی داشت و متکلمان در کنار مباحثی در الهیات؛ مانند خلق قرآن، کلام ذاتی خدای تعالی، رابطه ذات و صفات باری، حجیت ظواهر، متشابها، مسأله رؤیت خداوند، مسأله قضا و قدر و نیز مباحثی در کلام سیاسی؛ مانند مسأله خلافت و وصایت و نیز حاکمیت و حکمیت، مباحثی نیز در حوزه کلام اخلاقی مطرح میکردند؛

دوره اول: استیلاي گفتمان کلامي

مسائل مطرح شده

۱. عدل الهی و معيار عدالت

۲. معانی حسن و قبح یا همان معناشناسی محمولات اخلاقی

۳. حسن و قبح ذاتی و عقلی یا جعلی و شرعی

۴. قاعده لطف و رابطه آن با اکمال عقل و ضرورت تشریح

۵. ماهیت خیر و شر

۶. قبح عقاب بلا بیان

۷. رابطه عمل و اعتقاد یا تأثیر فعل اختیاری در ایمان

۸. منزلت و جایگاه گناهکار در آخرت

۹. جبر و تفویض و نظریه «أمر بین الامرین»

دوره اول: استیلای گفتمان کلامی

موضوعات این مباحث، زاویه دید، شیوه استدلال و استناد در آنها و ادبیات حاکم بر کاوشها مجموعاً اندیشه های اخلاقی این دوره را از دو ویژگی عمومی برخوردار ساخته بود:

طیفی از این موضوعات متعلق به حوزه عقل عملی بود و طیف دیگری ماهیت و ابعاد دوگانه اعتقادی - اخلاقی داشت و البته از نقطه عزیمت دین شناختی و با دغدغه های متکلمان پیگیری می شد. این واقعیت به مباحثات و پژوهش های آن دوره، صبغه مطالعات میان رشته ای می بخشید.

عمده مسائل اندیشه اخلاقی در این دوره به زیرساخت ها و مبانی اخلاقی می پرداخت و کمتر به خود سرفصلهایی علم اخلاق نزدیک میشد؛ یعنی بحث از حوزه فضایل و رذایل فردی و اجتماعی و... اندیشه تربیتی رونق نداشت.

دوره اول: استیلاي گفتمان کلامي

البته در حوزه اخلاق بندگي و رابطه عبد و معبود و ادب عبوديت، جريان هاي فکري - اجتماعي مشرب خوف، به سرکردگي حسن بصری (م ۱۱۰ هـ) که بر زهد سخت گیرانه تاکید داشت، و مشرب رجا، به رهبري ابن سيرين (م ۱۱۰ هـ) بر اميد به رحمت بي پايان الهی و زندگي معتدل توأم با پارسايي تکیه می کرد. در این میان، مکتب اخلاقي - تربيتي ائمه عليهم السلام بر هر دو عنصر خوف و رجا و زهد و برخورداری، توأمان تأکید می کرد. در روایتی است که سفیان ثوری (م ۱۶۱ هـ) به امام جعفر صادق علیه السلام به سبب پوشیدن لباس لطيف خرده گرفت؛ اما آن حضرت با نمایاندن زیر جامه خشن خود و به وی درس پارسايي راستين و اجتناب از زهدفروشي داد.

توجه به تاريخ دقيق تأسيس این فرقه ها و زمان نگارش برخی از آثار و حیات نمایندگان برجسته جريان هاي فکري - کلامي و پیش از عصر «نهضت ترجمه»، اصالت رویکرد عقلي در کلام اخلاقي و جريان پر نشاط و با شتاب آن را نزد مسلمين به خوبی تبیین می کند. تفکر خوارج توسط عبدالله ابن اباض (م ۸۹ هـ)، که از خوارج معتدل بود، در نیمه دوم سده نخست هجری، تدوین شد. جهم بن صفوان سمرقندی (م ۱۲۸ هـ) شاخه حيريه از مرجئه را تأسيس کرد. واصل بن عطا (م ۱۳۱ هـ) اندیشه اعتزال را پایه گذاري کرد که پس از او توسط عمرو بن عبید (م ۱۴۳ هـ) و ديگران ادامه يافت. این تفکر در نیمه اول سده دوم به دو شاخه معتزله بغداد و معتزله بصره انشعاب يافت و بشر بن معتمر (م ۲۱۰ هـ) مدرسه بغداد و ابوعلی جبائی (م ۲۳۵ هـ) مدرسه بصره را بنیان نهادند.

دوره اول: استیلاي گفتمان كلامي

سفيان ثوري با نگارش كتاب هاي الجامع الكبير و الجامع الصغير و الفرائض در حديث، جريان اهل حديث را به راه انداخت. هشام بن الحكم (م ۱۷۹ هـ)، از شاگردان امام صادق و امام كاظم عليهم السلام، در نقد آراي مجبره و آراي معتزله در رابطه بين عمل و اختيار، ايمان و ارزش افعال افزون بر آثار توحيد ي «كتاب الجبر و القدر» و «كتاب الرد على المعتزله» را به رشته تحرير درآورد. محمد بن علي بن نعمان (م حدود ۱۶۰ هـ)، معروف به مؤمن الطاق و از اصحاب امام باقر و امام صادق عليهم السلام، نيز در «الرد على المعتزله» به ابطال آراي ايشان پرداخت.

براي ترسيم جريان پررونق طرح و نقد و بررسي آراي اخلاق كلامي به يك نمونه از پايان سده دوم و نيمه نخست سده سوم اشاره مي كنيم:

دوره اول: استیلاي گفتمان کلامي

درباره مسأله رابطه رفتار و باور و بررسی تأثیر رذایل خلقی و رفتاری بر رتبه اعتقادی و جایگاه وجودی فرد، کتاب هایی از سوی اصحاب فرق گوناگون به رشته تحریر درآمد، مثلاً ابومطیع بلخی (م ۱۹۶ هـ) در کتاب کلامي خود «الفقه الأيسط» و ابومقاتل سمرقندی (۲۰۸ هـ) در کتاب «العالم والمتعلم» از موضع مرجئه به تبیین دیدگاه خود پرداختند. متعاقب آن، ابو عبید قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴ هـ) از موضع افراطیون اهل حدیث و ضد مرجئه کتاب «الایمان» را به رشته تحریر درآورد و در پی آن ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ هـ) اثر خود «الایمان» را با موضعی معتدل در نقد رهیافت مرجئی تصنیف کرد. فضل بن شاذان (م ۲۶۰ هـ)، از اصحاب امام رضا تا امام عسکری علیهم السلام و صاحب قریب به ۱۸۰ تألیف، در تعدادی از آثار خود مانند «الایضاح»، «الرد علی ابن کرام»، «الرد علی الباطنیه» به نقد و بررسی آرای اصحاب فرق پرداخت و با تألیف کتاب «الایمان» دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام را درباره رابطه عمل و ایمان (رفتار و باور) و تأثیر رذائل خلقی و رفتاری بر ارزشی وجودی و رتبه ایمانی فرد تبیین کرد.

دوره اول: استیلاي گفتمان کلامي

حدود یکصد سال بعد، در نیمه نخست سده چهارم، همزمان سه جریان کلامي ضد معتزلی در سه منطقه از جهان اسلام ظهور کرد؛ ابوجعفر طحاوی (م ۳۲۱ هـ) در مصر، ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ هـ) در عراق و ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ هـ) در ماوراءالنهر به ترتیب فرقه های طحاویه، اشعریه و ماتریدییه را بنیان گذاردند. در این میان آرای ابومنصور ماتریدی از آرای معتزله و اشاعره و طحاویه به مواضع ریشه دار و عمیق و پر قدرت شیعه که با تعالیم حضرت باقرالعلوم علیه السلام از حدود سال های ۸۵-۹۰ هجری گسترش منظمی یافت، نزدیک تر بود؛ مثلاً، ماتریدی برخلاف طحاوی و اشعری قائل به حسن و قبح عقلی است و از سویی برخلاف اشعری تکلیف مالایطاق را جایز نمی داند و بیش از او برای انسان، اختیار قائل است. ناگفته نماند که متکلمان بزرگی مانند قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ هـ) و تعدادی از نمایندگان برجسته تفکر اشعری مانند ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ هـ) و امام الحرمین جوینی (م ۴۷۸ هـ) نیز در سده پنجم ظهور کردند که البته چه بسا نتوان ایشان را از تأثیرات اندیشه های فلسفی سده های چهارم و پنجم کاملاً برکنار دانست.

چکیده

۱. فرق کلامی با موضع گیری های متفاوت حول مباحث مختلف علمی و دینی، به ظهور رسیدند.
۲. در میان بحث های کلامی، برخی مسائلی مثل عدل الهی، حسن و قبح اشیاء، خیر و شر و... که صبغه اخلاقی داشتند نیز مورد توجه بود.
۳. در این دوره بیشتر به مبانی اخلاقی پرداخته می شد و بحث از فضایی و رذایل اخلاقی فردی و اجتماعی رونق نداشت.
۴. در حوزه اخلاق بندگی سه گروه دیده میشود: مشرب خوف به سرکردگی حسن بصری، مشرب رجا به سرکردگی ابن سیرین، مشرب خوف و رجا به رهبری ائمه شیعه.
۵. تفکر خوارج توسط عبدالله بن اباضی، مکتب اعتزال توسط اصلی بن عطا و جریان اهل حدیث با سفیان ثوری شکل گرفت.
۶. فضل بن شاذان در کتاب «الایمان» به رابطه عمل و ایمان و تأثیر رذائل خلقی و رفتاری بر رتبه ایمانی فرد براساسی مکتب اهل بیت پرداخته است.
۷. در نیمه نخست سده چهارم، ابوجعفر طحاوی، ابوالحسن اشعری و ابومنصور ماتریدی به عنوان بانیان سه مکتب ضد معتزلی ظهور کردند.
۸. ارای ماتریدی از اشاعره و طحاویه به مواضع شیعه نزدیک تر بود.

دوره دوم

نهضت ترجمه

اندیشمندان مسلمان در جهت گسترش مسائل علوم و رهیافتی به ایده‌ها و سبک‌های نو، با جدیت و جسارتی تمام به ترجمه آثار یونانی، ایرانی، سریانی و هندی، همت گماردند. روند انتقال میراث فارسی به مجامع علمی عرب از اواخر دوره اموی و نیمه اول سده دوم هجری آغاز گردید که جملگی در قالب اندرزننامه‌ها و جمالات قصار حکیمانه بود. اما ترجمه آثار یونانی از دوره هارون الرشید آغاز گردید و با ابن رشد به پایان رسید. این نهضت آن‌چنان رونق گرفت که گفته می‌شود هارون الرشید پس از پیروزی در جنگ عموریه، تحویل نوشته‌های یونان قدیم را شرط صلح با بیزانس اعلام نمود. او پس از پیروزی بر روم شرقی از قیصر میخائیل سوم خواست تمام آثار فلاسفه به‌عنوان خراج جنگی به مسلمین داده شود. این تلاش‌های عظیم دانشمندان مسلمان نه تنها آثار ترجمه شده - بخصوص آثار یونانی - را از انهدام و فراموشی نجات داد، بلکه به آن اسلوب بخشید و مسائل نوین عقلی را هم پایه‌گذاری نمود که این خود، از بنیان‌های تحول فکری آینده اروپا شد.

در این درس با بررسی دوره دوم از ادوار هفتگانه رویکرد عقلی - فلسفی اخلاقی با برخی از آثار ترجمه شده فارسی و سپس یونانی آشنا خواهیم گشت.

دوره دوم: نهضت ترجمه و آشنایی مسلمین با اندیشه‌های ایرانی و یونانی

مسلمین طی سده‌های دوم و سوم و تا حدودی سده چهارم از طریق ترجمه‌هایی فراوان آثار فارسی و یونانی با اندیشه‌های بیگانه آشنا شدند. ترجمه آثار فارسی عمدتاً در نیمه دوم سده دوم و ترجمه آثار یونانی عمدتاً در نیمه دوم سده سوم صورت گرفت. نکته حائز اهمیت دیگر این است که آثار فارسی جملگی در قالب اندرزنامه‌ها و جملات قصار حکیمانه به عربی منتقل شد؛ ولی آثار یونانی خود مشتمل بر دو دسته اندرزنامه‌ها و کتب علم اخلاق بود. در اینجا ابتدا به ذکر برخی از آثار ترجمه شده از فارسی و سپس به آثار ترجمه شده از یونانی می‌پردازیم:

الف) ترجمه آثار اخلاقی از زبان فارسی

سهم عمده در انتقال میراث اخلاقیات و آداب فرهنگ فارسی به زبان و فرهنگ عربی از آن عبدالله ابن مقفع است. وی که در بصره از مادری عرب و پدری ایرانی متولد شد و در دوره جوانی اسلام آورد، به آموختن ادب فارسی همّت گماشت و ادب عربی را نیز در نزد خلیل ابن احمد فراهیدی (م. بین ۱۶۰ تا ۱۹۰ هـ) به حد کمال فرا گرفت و آنگاه به ترجمه حکم و آداب ایرانیان و کتب نثر و نظم فارسی به عربی پرداخت. آثار ابن مقفع در زبان عربی به لحاظ ادبی در افقی است که تاکنون به عنوان نثر معیار عربی شناخته می‌شود. وی به دست منصور، خلیفه عباسی، کشته شد.

درباره تاریخ وفات او اختلاف نظرهایی ور-جورد دارد، ولی مطمئناً مرگ او بین ۱۳۷ تا ۱۴۵ هجری واقع شده است.

آثار ابن مقفع

اهم آثار وی عبارتند از:

۱. ترجمه کلیله و دمنه که حدود ۵۰ سال بعد، به دستور یحیی بن خالد برمکی و توسط ابان بن عبد الحمید لاحقی (م ۲۰۰ هـ -) به عربی در قالب ۵۰۰ بیت شعر نیز ترجمه شد.

۲. الأدب الصغیر

۳. الأدب الکبیر

۴. الیتیمه

از سایر آثار ترجمه شده فارسی به عربی در این دوره و پس از ابن مقفع می توان به ترجمه منظوم عهدنامه اردشیر، سلطان ساسانی، توسط احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ هـ) با عنوان «عهد اردشیر» یاد کرد. همچنین می توان از کتاب (مواعظ آذرباد)، که مجموعه ای از پندهای موبد بزرگ ایرانی آذرباد است و نیز کتاب (الحکم لبهمن الملک) نام برد که نام ترجمه کنندگان هر دو کتاب مجهول می باشد.

آثار ابن مقفع

سبک و زاویه دید عبدالله ابن مقفع و سلیقه آداب نگاری او، عده‌ای مانند ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ هـ)، ابن عبد ربّه (م ۳۲۸ هـ) و تا حدودی عبدالملک ثعالبی (م ۴۲۹ هـ) و محسن تنوخی بصری (م ۳۸۴ هـ) را تحت تأثیر قرار داد. جریان انتقال اندرزها و حکمت‌های اخلاقی فارسی در سده‌های چهارم و پنجم نیز، با شتاب و فراوانی به مراتب کمتری توسط ابوالحسن عامری (م ۳۸۱ هـ) در قسمت‌هایی از «السعاده والإسعاد» و أبوعلی مسکویه (م ۴۲۱ هـ) در بخشی از «الحکمه الخالده» (جاودان بخرد) پی گرفته شد.

شایان ذکر است که پژوهشگر تاریخ علوم عرب و اسلام، محمد عابد الجابری بر این باور است که اولاً: میراث اخلاق و آداب ایرانی که به عربی ترجمه شد، ترویج اخلاقی اطاعت‌پذیری در برابر سلطه‌گری‌های حاکمان است. و از این رو نام آن را «اخلاق الطاعه» می‌گذارد. ثانیاً: تفکر اخلاقی مسلمین و علم اخلاق اسلامی تا دوره رکود در عصر حاضر بیش از هر کانون و منبع تأثیرگذاری، متأثر از همین روح اخلاق فارسی بوده است و اخلاقی یونانی هرگز نتوانسته به این گستردگی و عمق بر اندیشه و منشی اخلاقی مسلمین سایه بیافکند. البته ناگفته نماند که در هر دو ادعای جابری جای تأمل و مناقشه جدی وجود دارد.

ب) ترجمه آثار اخلاقی از زبان یونانی

عمده نهضت ترجمه آثار یونانی در نیمه دوم سده سوم رخ داد. در این جریان دو دسته آثار متفاوت ترجمه شد که دسته اول پندنامه‌ها و جملات قصار حکیمانه بود و دسته دوم کتب و رسایلی در علم اخلاق. البته برخی از این آثار از زبان سریانی به زبان عربی ترجمه شده است.

ابتدا به ذکر کتاب‌های علم اخلاق، که از زبان یونانی ترجمه شده، می‌پردازیم و سپس به ذکر اندرزنامه‌ها خواهیم پرداخت:

۱ - ب) کتاب‌های علم اخلاق

۱. کتاب فی الاخلاق، ترجمه حنین بن اسحاق، (متوفای ۲۶۰ هـ)؛ ابن عثمان دمشقی (م بعد از ۳۰۲ هـ) نیز خلاصه‌ای از این کتاب را ترجمه کرده است.
 ۲. کتاب جوامع کتب افلاطون، اثر جالینوس، از همان مترجم شایان ذکر است که زکریای رازی (م ۳۱۱ هـ) و ابوعلی مسکویه به دو کتاب دیگر جالینوس به نامهای «فی تعرف المرء عیوب نفسه» و نیز «فی أن الاخیار ینتفعون بأعدائهم» استناد کرده‌اند که از مترجمان آن دو خبری در دست نیست.
 ۳. اخلاق نیکومافیا (نیکوماخوس)، اثر ارسطو، ترجمه اسحاق بن حنین، متوفای ۲۹۸ هجری
 ۴. مقاله فی المدخل الی علم الأخلاق، اثر جمعی از نوافلاطونیان، ترجمه عیسی بن زُرعه بغدادی، متوفای ۴۴۸ هجری.
- البته ابوعلی مسکویه و ابن قفطی (م ۶۴۶ هـ) از شرح فروریوس بر اخلاق نیکوماخوس یاد کرده‌اند که از این ترجمه اثری در دست نیست. دو تلخیص نیز از اخلاق نیکوماخوس که یکی توسط نوافلاطونیان حوزه اسکندریه تألیف شده با نام «کتاب الاخلاق؛ اختصار الاسکندرانیین» به عربی ترجمه شده است و دیگری تلخیصی است که چند سده بعد توسط ابن رشد اندلسی (م ۵۹۵ هـ) تصنیف گردیده است.

۲- ب) اندرزنامه‌ها

۱. نوادر الفلاسفه، ترجمه حنین بن اسحاق
۲. رساله أَلْفَاظ ارسطو، ترجمه همو
۳. رساله أَلْفَاظ ارسطو، ترجمه یعقوب بن اسحاق کندی (م ۲۴۶ هـ) که البته ترجمه قبلی این اثر توسط حنین بن اسحاق مضبوط‌تر و دقیق‌تر است.
۴. صوان الحکمه، ترجمه ابوسلیمان سجستانی منطقی (متوفای پیش از ۳۷۲ هجری)

کتاب‌هایی در قرن چهارم و پنجم به ذکر اندرزها و سخنان حکمت‌آمیز یونانی اختصاص یافته که مؤلفان آنها، خود، این آثار را از زبان یونانی ترجمه نکرده‌اند؛ بلکه آثار پراکنده ترجمه شده پیش از این در عصر نهضت ترجمه را استقصاء و گردآوری و احیاناً طبقه‌بندی مناسبی کرده‌اند.

۲- ب) اندرزنامه‌ها

از میان این کتاب‌ها، دو اثر اختصاصاً به اندرزها و حکمت‌های یونانی پرداخته‌اند و دو کتاب ضمن نقل پندها و سخنان حکیمانه سایر ملل، در بخشی نیز به ذکر سخنان حکمای یونانی پرداخته‌اند. دو اثر دسته اخیر عبارتند از:

۱. السعاده والاسعاد، تألیف ابوالحسن عامری (م ۳۸۱ هجری)
۲. الحکمه الخالده (جاودان خرد) تألیف ابوعلی مسکویه (م ۲۱ هجری)

و اما دو کتاب دسته اول عبارتند:

۱. الکلم الروحانيه من الحکم اليونانيه، تألیف ابوالفرج ابن هندو بغدادی، متوفای ۴۲۰ هجری
۲. مختارالحکم، تألیف مُبشّر بن فاتک مصری، متوفای حدود ۵۰۰ هجری

۱. سهم عمده انتقال میراث فارسی به فرهنگ عربی از آن عبدالله بن مقفع است. او توسط منصور، خلیفه عباسی، کشته شد.
۲. ترجمه کليلة و دمنه، الادب الصغیر، عهدنامه اردشیر از جمله ترجمه‌های ابن مقفع می‌باشد.
۳. آثار ابن مقفع بر نویسندگان بزرگی چون ابن قتیبه دینوری و ثعالبی و ابن عبد ربّه تأثیر فراوانی داشت.
۴. ابوالحسن عامری و ابوعلی مسکویه، جریان ترجمه آثار فارسی را ادامه دادند.
۵. تفکر اخلاقی مسلمین، بیش از هر کانون دیگر، زیر نفوذ روح اخلاق فارسی بوده است.
۶. بیشترین کتب یونانی توسط حنین بن اسحاق به عربی برگردانده شده است که از جمله آنها کتاب فی الاخلاق، جوامع کتب افلاطون، اخلاق نیکوماخیا می‌باشد.
۷. السعاده و الاسعاد و جاودان خرد به نقلی پندها و سخنان حکیمانه ملل پرداخته‌اند.
۸. جملگی آثار ترجمه شده از فارسی در قالب اندرزنامه‌ها و کلمات قصار حکیمانه بوده است.
۹. مختار الحکم حاوی حکمت‌های یونانی است.

دوره سوم

دوره رشد و پختگی عقلی

پس از نهضت ترجمه و انتقال آثار گسترده‌ای از فلاسفه و حکمای ایرانی، یونانی، هندی و... مهم‌ترین مسئله، پی‌ریزی مبانی فکری و عقلی بود. در سده چهارم هجری که در این درس از آن بحث خواهیم نمود، فلاسفه‌ای چون فارابی ظهور کردند که علاوه بر بنیان نهادن اصول عقلی و فلسفی اسلامی، مسائل و موضوعات جدید را تأسیس نمودند. در حوزه اخلاق نیز مشربی غیر از مشرب و اسلوب افلاطونی - ارسطویی رونق یافت. مؤلفانی که در این دوره با آنها آشنا می‌شویم عبارتند از: یعقوب بن اسحاق کندی، فارابی، اخوان الصفا، ثابت بن سنان نویسنده تهذیب الاخلاق، ابو سلیمان سجستانی منطقی و نویسنده السعاده و الاسعاد.

از دیگر مباحث طرح شده در این درس، آشنایی با متون اخلاقی در سده‌های پنجم و ششم است که دوره «پختگی و پیراستگی» نامیده شده است. آثاری از ابن مسکویه ملقب به معلم ثالث، حکیم و ریاضیدان برجسته ابن هیثم و کتاب تدبیرالمتوحد نوشته ابن باجه اندلسی، که در این درس معرفی گردیده‌اند مربوط به این دوره است.

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

این دوره از نیمه نخست سده چهارم آغاز و تا پایان سده پنجم امتداد می‌یابد. یعقوب بن اسحاق کندی که در دوره دوم می‌زیسته اما آثارش از ویژگی‌های دوره سوم برخوردار بود، حلقه اتصال این دو دوره محسوب می‌شود.

از آثار این دوره می‌توان به کتب زیر اشاره نمود:

۱. رساله فی الحلیه لدفع الاحزان، تألیف یعقوب بن اسحاق کندی، متوفای ۲۹ هجری

۲. رساله فی تسهیل سبل الفضائل، از همان نویسنده گفتنی است، کندی آشکارا در اخلاق نگاری خورد تحت تأثیر آثار و آرای جالینوسی، طیب و حکیم شهیر یونانی بوده است.

۳. الطب الروحانی، اثر محمد بن زکریای رازی، متوفای ۳۱۳ هجری

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

محمد بن زکریای رازی

رازی بزرگترین پزشک و داروساز تمدن اسلامی به شمار می‌رود. وی کاشف الکل و صاحب تألیفات فراوان و از جمله کتاب عظیم الحاوی در بیش از ۲۰ مجلد است. وی کتاب الطب الروحانی را با رویکرد یک طبیب آسیب‌شناس که در پی کشف و درمان بیمارهای روحی مریض خود می‌باشد، نگاشته است. وی بیش از همه تحت تأثیر سنت فکری جالینوسی و سپس آرای افلاطون بوده است. بعدها، به تبع رازی کتاب‌های دیگری به نام طب روحانی در جهان اسلام تألیف شد که هیچ‌یک به پایه اثر ماندگار وی نمی‌رسد.

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

۴. فصول منتزعه (الفصول المدنی)، تألیف معلم ثانی، محمد بن طرخان فارابی، متوفای ۳۳۸ هجری
۵. تحصیل السعاده، تألیف همان نویسنده

محمد بن طرخان فارابی

ابونصر فارابی، مبدع یک دانش خاص به نام علم (یا فلسفه) مدنی بود که خود از دو مؤلفه (بخش) اخلاق و سیاست تشکیل می‌یافت؛ سعی وی، برخلاف افلاطون و ارسطو و اساساً سنت فکری یونانی، این دو مقوله را دو علم مجزا نمی‌شمرد، بلکه آنها را ارکان علم مدنی می‌دانست که عهده‌دار تبیین و تضمین سعادت فرد در قالب سعادت امت و تأمین کمال و رستگاری شهروند از رهگذر مدیریت و راهبری معنوی مدینه (جامعه) بود. فارابی افزون بر دو کتاب فوق، که ادبیات و سرفصل‌های خاص اخلاقی در آنها قالب است، اصولاً در تمام تألیفات فلسفه اجتماعی و در همه آرای سیاسی خود، بر جدایی‌ناپذیری ابعاد اخلاقی و سیاسی سعادت‌مندی فرد و جامعه تأکید کرده است. فارابی اندیشه امامت و ولایت را در نظریه اخلاقی - سیاسی خود به نحو صریح و آشکار و البته مدلل مطرح کرده است. وی جدا از ابتکارات منحصر به فردش، تا حدودی تحت تأثیر برخی از آرای افلاطون بود.

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

۶. رساله نهم اخوان الصفا و خلان الوفا، اثر جمعی از نویسندگان در مورد مؤلفان مجموعه رسائل اخوان الصفا اقوال گوناگون مطرح شده است؛ قابل اعتمادترین نظریه در این باره این است که، تعدادی از اندیشمندان شیعی اسماعیلی مذهب که دارای تشکیلات و انجمن سری و مخفی بوده‌اند در حدود ۳۵۰ هجری، این رسائل را تألیف کرده‌اند. «اخوان الصفا» تحت تأثیر سنت فکری فیثاغوری - هرمسی بودند و از گرایشات نوافلاطونی و رواقی نیز برکنار نبودند. رساله نهم اخوان الصفا به بسیاری از فضایل و راه آراستگی به آنها و نیز رذایل و طریق پیراستگی از آنها پرداخته است.

۷. تهذیب الاخلاق، تألیف ثابت بن سنان بن قره، متوفای ۳۹۳ هجری

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

ثابت بن سنان بن قره

او طبیب حاذق عهد عباسی بود، جدّ وی ابوالحسن ثابت بن قره جرانی (م ۲۸۸ هجری) از مترجمان معروف عصر نهضت ترجمه بود و پدرش از حاذق‌ترین اطبایی عهد عباسی بود و در بغداد خدمات پزشکی مهمی انجام داد. ثابت بن سنان کتاب خود را بر پایه سنت جالینوسی و رویکرد آسیب‌شناسانه نگاشت؛ کتاب وی در واقع همان پزشکی روحی است، ولی او اسم طب روحانی را زیبنده آن نمی‌داند، و تهذیب الاخلاق او گستره وسیع‌تری از سرفصل‌های اخلاقی کتاب طب روحانی رازی را در بر دارد.

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

۸. رساله فی اقتصاص طرق الفضائل، تألیف ابوسلیمان محمد بن طاهر سجستانی

منطقی، متوفای بعد از ۳۷۲ هجری

۹. مقاله فی مراتب قوی النفس و کیفیه الانذارات الی تنذر بها النفس، تألیف همان

نویسنده

ابوسلیمان محمد بن طاهر سجستانی منطقی

سجستانی، که منطقدان بزرگی بود و زبان یونانی را نیک می‌دانست و پیش از این هم به یک ترجمه از وی به نام صوان الحکمه اشاره شد، در این تکنگاری‌ها، بررسی مباحث خاصی از علم النفس فلسفی و مسائلی از حوزه تربیت اخلاقی را وجهه همت خود قرار داده است.

دوره سوم: دوره بالندگی و رشد

۱۰. السعاده والاسعاد، تألیف ابوالحسن عامری نیشابوری، متوفای ۳۸۱ هجری

کتاب السعاده و الاسعاد

این کتاب ماهیتی دوگانه دارد؛ از سویی به لحاظ ریخت‌شناسی عمومی، مانند یک جنگ علمی است که بدون نظم و طرح روشنی در ترتیب مباحث، مسائل متنوع علمی و گاهی نیز اندرزها و کلمات حکیمانه در کنار هم ارائه شده است و از سوی دیگر، عامری در این کتاب به عرضه مباحث کاملاً اختصاصی در سنت اخلاق فلسفی حکمای بزرگ پرداخته است، در حالی که معمولاً در اندرزنامه‌ها از این مباحث هیچ اثری یافت نمی‌شود. وی در تعریف مفاهیم اخلاقی مانند خیر، سعادت، مصلحت، لذت و... نقل‌هایی فراوانی حکمایی یونان به دست می‌دهد. در میان آثار این دوره، بی‌شک تألیفات فارابی از درخشش خیره‌کننده‌ای برخوردار است و در رتبه بعدی کتاب‌های الطب الروحانی رازی و سپس رساله نهم از رسائل اخوان‌الصفا از اهمیت بیشتری برخوردارند.

دوره چهارم

دوره پختگی و پیراستگی

دوره چهارم: دوره پختگی و پیراستگی

این دوره از سده پنجم آغاز و تا سده ششم ادامه می‌یابد.

ویژگیهای عمومی این دوره از این قرار است:

۱

آثار متعلق به این دوره، نسبت به تألیفات اخلاقی دوره سوم، از جامعیت عناوین و سرفصل‌هایی بیشتری برخوردارند (البته در میان این آثار، کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق ابوعلی مسکویه گستره جامع تری دارد).

۲

ب) در این دوره از اخلاق نگاری فلسفی، سنت ارسطویی و تا حدودی افلاطونی رواج و غلبه بیشتری می‌یابد و جایگزین رویکردهای رواقی، جالینوسی و فیثاغوری می‌شود.

۳

ج) ادبیات تخصصی علم اخلاق فنی تر و زبان آن پیراسته تر و غنی تر می‌شود.

دوره چهارم: دوره پختگی و پیراستگی

۱. تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (طهارت الاعراق)، تألیف ابوعلی احمد بن محمد مسکویه رازی، متوفای ۲۱ هجری

۲. ترتیب السعادات، تألیف همان نویسنده

۳. فوز السعاده (نور السعاده)، تألیف همان نویسنده

۴. رساله تهذیب الاخلاق، تألیف ابوعلی حسن بن حسن بن هیثم، متوفای ۴۳۰ هجری

۵. تدبیر المتوخذ، تألیف ابوبکر ابن باجه اندلسی، متوفای ۵۳۳ هجری؛

پنج تصنیف متعلق
به این دوره

دوره چهارم: دوره پختگی و پیراستگی

ابو علی مسکویه ملقب به معلم ثالث

ابوعلی مسکویه ملقب به معلم ثالث، حکیم بزرگ شیعی، تنها فیلسوف بزرگ تاریخ تمدن اسلامی است که به شکل تخصصی در حوزه حکمت عملی به پژوهش و نگارش پرداخته و آثار متعددی در قالب رساله های کوچک و کتاب های علمی و دستورالعملها و اندرزنامه ها از خود به یادگار گذاشته است. با ظهور مسکویه و به ویژه تألیف کتاب تهذیب الاخلاق به دست او، تاریخ پژوهش های اخلاقی و اخلاق نگاری های عقلی - فلسفی وارد دوره جدیدی شد. وی تفکر افلاطونی و به ویژه ارسطویی را با شاخصهایی تفکر وحی محور اسلامی، در قالب ادبیات عقلی و دستگاه واژگانی فلسفی به خوبی پردازش و تقریر کرد؛ او علم اخلاق و تصانیف اخلاقی را نظام و ترتیب بهتری بخشید و دامنه موضوعات مورد تحقیق را گسترش داد. مسکویه و کتاب او، تهذیب الاخلاق، مورد ستایش بزرگان جهان اسلام و شیعه، به خصوص متکلم بزرگ شیعی خواجه نصیرالدین طوسی، امام خمینی و علامه طباطبایی قرار گرفته است.

دوره چهارم: دوره پختگی و پیراستگی

ابوعلی حسن بن حسن بن هیشم

ابن هیشم، ریاضیدان، فیزیکدان و حکیم برجسته سده پنجم اسلامی است و کتاب وی، تهذیب الاخلاقی - که به اشتباه به افرادی مانند محیالدین بن عربی و یحیی بن عدی انتساب داده شده است - یکی از پربرترین و پختهترین آثار اخلاقی است که گزیده گویی و دقت در تعبیر را در حد کمال به کار گرفته است و با حجم اندک (حدود ۴۰ صفحه) سرفصل‌های قابل توجه و فراوانی را در بر گرفته است. این کتاب را نمی‌توان به طور مشخص به یکی از سنت‌های فکری یونانی متمایل دانست، هر چند برخی از عناصر افلاطونی - ارسطویی در آن به چشم می‌خورد.

دوره چهارم: دوره پختگی و پیراستگی

ابوبکر ابن باجه اندلسی

ابن باجه پس از ابن رشد، مهم ترین و مشهورترین فیلسوف عرب جهان اسلام است. وی نیز چون فارابی در جستجو و تکاپوی تأمین سعادت امت و جامعه است، اما برخلاف فارابی، نقطه عزیمت نیل به سعادت را نه در اصلاح ساختار سیاسی - اجتماعی مدینه، بلکه در تربیت صحیح عقلانی تک تک افرادی می داند که مدینه از آنها ساخته خواهد شد، او برخلاف تقسیم قوای نفس در مکتب افلاطونی به قوای ناطقه، شهویه و غضبیه، به سراغ قوای ادراکی خود نفس ناطقه رفته و مراحل تکامل آنها و در نتیجه نزدیکی گام به گام فرد به سر منزل سعادت را ترسیم می کند. ابن باجه در این کتاب در عین حال که سعی می کند، فاصله آرای خود را با نظریات و سنت های فکری اخلاق یونانی حفظ کند، ولی در هر حال تأثیر نسبی از اندیشه اخلاقی ارسطو در تفکر وی آشکار است.

چکیده

۱. از اخلاق نگاران سده چهارم می‌توان ابواسحاق کندی و محمدبن زکریای رازی را نام برد که بیشتر تحت تاثیر سنت فکری جالینوسی بودند.
۲. ابونصر فارابی با ابداع علم (فلسفه) مدنی، به دو مؤلفه اخلاق و سیاست پرداخت که آنها را عهده‌دار تبیین و تضمین سعادت فرد در قالب سعادت امت و رستگاری شهروند در پرتو راهبری معنوی جامعه میدانست.
۳. فارابی اندیشه امامت و ولایت را به طور صریح و مدلل مطرح کرد.
۴. اخوان الصفا تعدادی از اسماعیلیان متأثر از سنت فکری فیثاغوری - هر مسی بودند.
۵. ثابت بن سنان در تهذیب الاخلاق به نوعی پزشکی روحی پرداخته است.
۶. پس از سده پنجم، غالب آثار، که از سنت ارسطویی و تا حدودی افلاطونی متأثر بودند، از جامعیت عناوین و سرفصل‌های بیشتری برخوردار بودند.
۷. ابوعلی مسکویه، تفکر افلاطونی - ارسطویی را با تفکر وحی محور اسلامی، در قالب عقلی و دستگاه واژگانی فلسفی تقریر نمود.
۸. تهذیب الاخلاقی ابن هیثم، گاه به اشتباه به محیالدین بن عربی و یحیی بن عدی نسبت داده میشود.
۹. ابن باجه نیل به سعادت را در تربیت عقلانی تک تک افراد جامعه میداند و مراحل تکامل قوای ادراکی نفس ناطقه را ترسیم می‌کند.

دوره پنجم

تفصیل و تکرار مسائل اخلاقی

حکمت به دو حوزه معرفتی عمده تقسیم می‌گردد که خردورزی عقل در قلمرو هر یک از این حوزه‌ها متفاوت می‌شود؛ حوزه اول، حکمت نظری است که به تعبیر سبزواری به احوال اشیاء و موجوداتی که وجودشان تحت اختیار انسان نیست می‌پردازد اما حوزه دوم، حکمت عملی است که شامل اجزاء سه‌گانه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدنیه می‌باشد و به تعبیر ملاصدرا غایت آن نیل به سعادت اخروی و استعمال نفس است.

در نظر حکما، سیاست مدن همان علم به مصالح اجتماعی است که بر مبنای بقای نوع و رفاه زندگی در منطقه‌ای اجتماع کرده‌اند، اما تدبیر منزل، به اعتقاد خواجه نصیر؛ تدبیری صناعی است که موجب تألیف (اهل منزل) است و اخلاقی ملکه‌ای نفسانی است که مقتضی صدور افعال (حسنه یا قبیحه) از انسان است بی‌هیچ تفکر و رؤیت، و آن چنان است که گفته‌اند لذات اخلاق نیک در مقابله لذت علم مانند قطره بحر است.

در این درس ویژگی‌های آثار نویسندگان اسلامی در بین سده هفتم تا دوازدهم را می‌آموزیم؛ سال‌هایی که به سه دوره به‌نام‌های دوره تفصیل (بین سده هفتم و هشتم)، دوره شرح و تکرار (سده دهم تا یازدهم) و دوره توقف رشد علم اخلاق (قرن دوازدهم) تفکیک شده‌اند، سپس با کتاب‌هایی همچون اخلاق ناصری، لطایف الحکمه، دره التاج، اخلاق عالم‌آرا و اخلاق منصوره و نویسندگان آنها آشنا می‌شویم.

دوره پنجم: دوره تکمیل و تفصیل

این دوره شامل سده‌های هفتم و هشتم می‌باشد. در این دوره حکمای علم اخلاق، به حوزه‌های دیگر حکمت عملی توجه خاصی مبذول داشته و به مرزبندی مسائل علم اخلاق روی آوردند و آنها را به شکل جزئی‌تر و با تفصیلی بیشتری ترسیم نمودند.

بدین ترتیب که اجزای سه‌گانه حکمت عملی یعنی اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن در کنار هم و در یک ساختار، ترکیبی از نکات اخلاقی، اصول مدیریتی، گفتمان مصلحت‌اندیشی و تا حدودی ملاحظات اقتصادی

و اجتماعی است و زاویه دید در آن دو از حوزه اخلاق تفاوت دارد؛ ولی به هر ترتیب در هر سه شاخه از آنچه شایسته عمل کردن و به کار بستن است، سخن می‌رود که همان ویژگی مورد بحث در حکمت عملی و دل‌مشغولی عقلی عملی است.

دوره پنجم: دوره تکمیل و تفصیل

۱. اخلاق ناصری، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی، متوفایی، ۹۷۲ هجری

خواجه نصیرالدین طوسی، ریاضیدان، فیلسوف و بزرگ‌ترین متکلم شیعی است. هنگامی که وی وزیر هلاکوخان شد، خدمات بسیار ارزنده‌ای به عالم دانش و فلسفه و نیز به سامان بخشی امور امت اسلامی کرد. او را صاحب ۴۰ تا ۶۴ کتاب دانسته‌اند. در علم اخلاق از وی ۴ اثر به یادگار مانده که به جز اثر پیش‌گفته، آداب المتعلمین، أوصاف الأشراف و اخلاق محتشمی از دایره اخلاق فلسفی خارج‌اند.

خواجه کتاب خود را در یک مقدمه و سه مقاله و مجموعاً در ۳۰ فصل تنظیم کرده است؛ مقاله اول در تهذیب اخلاق، مقاله دوم در تدبیر منزل و مقاله سوم در سیاست مدن می‌باشد. مقاله اول که مشتمل بر ۱۷ فصل است، ترجمه گونه آزادی است از کتاب طهاره الاعراق مسکویه که البته اندکی در گستره موضوعات و تبویب و چیدمان مطالب بهتر است. خواجه سپس دو مقاله تدبیر منزل و سیاست مدن را به ترتیب در ۵ و ۸ فصل بدین بخشی افزوده است. البته فصول دوم و ششم از مقاله سوم، در محبت و دوستی، نیز مأخوذ از کتاب مسکویه است. این کتاب به زبان فارسی دری و به سبک انشای گلستان سعدی نگاشته شده است و واژگان و اسالیب مهجور و غریب در آن کم‌تر به چشم می‌خورد و مطالعه آن برای آشنایان با اصطلاحات فلسفی و مأنوس با ادب پارسی، دلنشین است. کتاب اخلاق ناصری متن محوری مورد عنایت همه مؤلفان دوره ششم بوده است.

دوره پنجم: دوره تکمیل و تفصیل

۲. لطایف الحکمه، تألیف سراج والدین محمد بن ابی بکر آرموی
شافعی، متوفای ۶۸۲ هجری

آرموی در علوم متعددی، از جمله فلسفه، دست داشت و کتاب لطایف الحکمه را به سبک حکما در اخلاق نگاشت. این کتاب در سه بخش تقسیم شده که مؤلف آنها را حکمت بدنی، حکمت منزلی و حکمت مدنی نامیده است. این کتاب از اشتهار چندانی برخوردار نیست و ظاهراً مورد استناد اخلاق پژوهان اعصار بعد نیز واقع نشده است.

دوره پنجم: دوره تکمیل و تفصیل

۳. الرسالة الشاهیه فی الاخلاق، تألیف قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد ایجی، متوفای ۷۵۶ هجری

قاضی عضد ایجی، که از متکلمان سرآمد اهل سنت در سده هشتم و صاحب کتاب کلامی معروف المواقف است، در این کتاب که در حکمت عملی نگاشته است، سه بخشی اخلاق، سیاست منزل و سیاست مدن را پیش‌بینی کرده و سعی کرده کتابش خلاصه‌ای از نکات مهم و ناب آثار پیشینیان باشد، البته این کتاب هنوز به صورت مخطوط باقی مانده و چاپ نشده است.

دوره پنجم: دوره تکمیل و تفصیل

شایان توجه است که در این مقطع بحث از سه بخشی حکمت عملی (البته با توضیحات فشرده‌تر) برای نخستین بار در سه اثر دایره المعارف گونه آمده است. نویسندگان این سه اثر، سه تن از بزرگان علوم عقلی در تاریخ تفکر اسلامی هستند. این مؤلفان و آثارشان از این قرارند:

۱ جامع‌العلوم (الستینی)، تألیف فخرالدین محمد بن عمر رازی
معروف به فخر رازی، متوفای ۶۰۶ هجری

۲ الشجره الالهیه، تألیف شمس‌الدین محمد شهرزوری، شارح بزرگ
فلسفه اشراقی سهروردی، متوفای ۶۸۷ هجری

۳ دره التاج، تألیف قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی، دومین
شارح معروف حکمه الاشراق سهروردی، متوفای ۷۱۰ هجری

دوره ششم: دوره شرح و تکرار

این دوره از سده دهم آغاز و تا سده یازدهم امتداد می‌یابد. مختصات عمومی این دوره عبارت است از:

۱

مجموعه آثار تولید شده متعدد این دوره را کمابیش باید شروحي بر متن محوری اخلاق ناصری خواجه نصیر قلمداد کرد که تقریباً با سالایق هم‌افق و نه‌چندان متضاد، بسط و توضیح یافته است.

۲

مخاطبان این کتاب‌ها، عموماً در سطح غیر اهل‌فن و از میان توده‌های مردم یا شاهزادگان دربارها انتخاب شده‌اند و بر این پایه، سعی شده تا محتوا و مضمون اصلی آرای خواجه، با استفاده از شعر و حکایت و مثل و تشبیه و استعاره، به سطح فهم و ذائقه فکری ایشان نزدیک شود و گاهی نیز با استشهاد به آیات یا روایاتی، تأیید برخی از متشرعه را دریافت دارد.

۳

تقریباً هیچ‌گونه نوآوری علمی در ناحیه مفاهیم، روش، منابع، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی گزاره‌ها و... در این آثار دیده نمی‌شود.

دوره ششم: دوره شرح و تکرار

آثار این دوره

۱. لوامع الاشراف (اخلاق جلالی)، تألیف جلال‌الدین محمد بن اسعد دوانی، متوفای ۹۰۷ هجری؛

۲. اخلاق محسنی، تألیف ملا محسن واعظ کاشفی سبزواری، متوفای ۹۱۰ هجری؛

۳. اخلاق شمسیه، تألیف حسن بن روزبهان سبزواری شیعی، متوفای ۹۳۳ هجری؛

۴. اخلاق منصوری، تألیف غیاث والدین منصور دشتکی، متوفای ۹۸ هجری؛

۵. اخلاق عالم‌آرا، تألیف محسن فانی کشمیری، متوفای سده یازدهم.

نکته جالب توجه این است که همه این مؤلفان شیعه بوده‌اند و این شاید بدان جهت بوده که اخلاق ناصری به زبان فارسی بوده و تنها فارس‌زبانانی که از جهت اعتقادی هم به مؤلف آن ارادت داشته‌اند، به استقبال این کتاب رفته‌اند.

دوره هفتم: دوره رکود و توقف

این دوره از قرن دوازدهم آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است. در این دوره، سنت اخلاق نگاری فلسفی به فراموشی سپرده شده است و اثر قابل ذکری حتی در سطح کتاب های شرح نگاری دوره ششم نیز به چشم نمی خورد. البته تذکر دو نکته مفید است:

۲

۲. در سده حاضر کاوش های عقلی در عرصه اخلاقی در فضای جدیدی صورت بسته که نمی توان آن را متعلق به خود علم اخلاق دانست، بلکه باید آن را در ناحیه مبانی و پیش فرض های دانش اخلاق طبقه بندی کرد. این کاوش ها مربوط به رشته فلسفه اخلاقی می شوند که خود یکی از فلسفه هایی مضاف است و خاستگاه آن غرب می باشد. فلسفه اخلاق ترجمه کلمه Ethics است. این رشته علمی رسماً در سال ۱۹۰۳ میلادی با نگارش کتاب مبانی اخلاق توسط جان ادوارد مور (۱۹۵۸ - ۱۸۷۳ م.) استقلال خود را اعلام کرد. این شاخه فلسفی عمدتاً مشتمل بر دو حوزه خاص اخلاق هنجاری و فرا اخلاق (معرفت شناسی اخلاق) است که به بحث از ملاک های کلی خوبی و بدی و تحلیل مفاهیم اخلاقی می پردازد. اندیشمندان مسلمان گام های ابتدایی را در این رشته علمی برداشته اند، ولی هنوز جهان اسلام شاهد ظهور فیلسوف اخلاقی که اثری ماندگار در راستای تولید علم از خود بر جای گذارد، نبوده است.

۱

۱. عناصر تفکر فلسفی در اخلاقی، تنها در قالب رویکرد مکتب اخلاق تلفیقی ادامه حیات داده اند بنابراین توقف در شکل اخلاق فلسفی خالص و محض رخ داده است.

چکیده

۱. اجزای سه‌گانه حکمت عملی عبارت‌اند از: اخلاق، تدبیر منزل، سیاست مدن
۲. خواجه نصیر کتاب اخلاق ناصری را در سه موضوع فوق به زبان فارسی دری و به سبک گلستان نگارش درآورده‌اند.
۳. سراج والدین ارموی و عضد والدین ایجی نیز کتب اخلاقی خود را در سه بخش حکمت عملی به نگارش درآورده‌اند.
۴. تا حدودی می‌توان گفت آثار سده دهم تا یازدهم شروحاتی است بر متن محوری اخلاق ناصری که مخاطبان‌شان توده‌های مردم و غیر اهل فن می‌باشد.
۵. در دوره ششم تقریباً هیچ نوآوری علمی دیده نمی‌شود و همه مؤلفان شیعی هستند.
۶. در دوره توقف که از قرن دوازدهم آغاز شده و تاکنون ادامه دارد، اخلاق نگاری فلسفی متروک شده است.
۷. کاوش‌های معاصر در عرصه اخلاق را نمی‌توان متعلق به خود علم اخلاق دانست؛ بلکه از ناحیه مبانی یا پیش‌فرض‌های دانش اخلاق هستند.
۸. فلسفه اخلاق از فلسفه‌های مضاف است که خاستگاه غربی دارد و در میان مسلمین هنوز اثر ماندگاری در این رشته علمی ارائه نشده است.